

فرا تحلیل تحقیقات مشارکتهای مردمی در ارزیابی طراحی معماری مسکن روستایی در روند بازسازی بعد از وقوع زلزله

فاطمه مهدیزاده سراج* - دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
یاور رستم زاده - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

Research meta-analysis of public participation in the process of architectural design evaluation rural housing reconstruction after the earthquake

Abstract

The different approaches towards reconstruction after the earthquake affected areas of interest to planners and an architect in the reconstruction process is affected houses. In the meantime, choose the optimum approach or approaches, requires consideration of a number of indicators such as cultural background, family and community to improve safety conditions, the cost of reconstruction, restoration and improvement of living conditions, political situation, implementation mechanisms, and how to raise capacity the society is damaged. The main factors that interfere in the decision-making process have a special role in the reconstruction process. Including the role of the central government agency responsible for reconstruction, reconstruction of participating agencies, local government, and the affected community and above all the participation of victims in natural disasters are in line with the design or manufacture of the affected areas. In this article, using meta-analysis to review and summarize studies and experiences in the field of participation of victims in the process of reconstruction after the earthquake deal; the data collection instrument consisted of library studies and documents have benefited. At the end, all the available research is summarized and analyzed. And their results are discussed in the form of tables.

Key words: meta-analysis, public participation, reconstruction of the accident.

چکیده

امروزه رویکردهای مختلفی در راستای بازسازی بعد از وقوع زلزله در مناطق آسیب دیده، مورد توجه برنامه ریزان و معماران در فرایند بازسازی مسکن زلزله زده است. در این میان، انتخاب نوع رویکرد یا رویکردهای بهینه، نیازمند لحاظ شاخص هایی از قبیل زمینه های فرهنگی موجود، ارتقای وضعیت ایمنی خانوار و جامعه، هزینه بازسازی، ترمیم و بهبود معیشت، شرایط سیاسی حاکم، مکانیزم های تطبیق، و چگونگی بالا بردن ظرفیت های جامعه آسیب دیده است. لذا مشاوره با مردم و ارزیابی نیازها و ظرفیت های آنها و بهره گیری از میزان مشارکت آنها در فرایند بازسازی، قبل از اتخاذ تصمیمات اجرایی امری مهم محسوب می شود. عوامل اساسی که در روند تصمیم گیری در روند مداخله در فرایند بازسازی نقش ویژه ای دارند مشتمل بر نقش و جایگاه دولت مرکزی، نهاد مسوول بازسازی، سازمان های مشارکت کننده در بازسازی، دولت محلی، و جامعه آسیب دیده و مهمتر از همه میزان مشارکت آسیب دیدگان در بحرانهای طبیعی در راستای طراحی و یا ساخت نواحی زلزله زده است. چگونگی تعامل میان بازیگران مزبور، در اتخاذ رویکرد بهینه بازسازی اثر می گذارد. در این مقاله با روش فراتحلیل به بررسی و جمع بندی مطالعات، تحقیقات و تجارب صورت گرفته در زمینه مشارکت آسیب دیدگان در روند بازسازی بعد از وقوع زلزله است که از ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بهره برده است. در انتها نیز تمام تحقیقات در دسترس جمع بندی و تحلیل شده و نتایج آنها در قالب جدولی مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فراتحلیل، مشارکتهای مردمی، بازسازی پس از سانحه.

مقدمه

تامین زیرساخت‌های فیزیکی از قبیل آب و بهداشت و دسترسی به خدمات آموزشی و غیره است که بیانگر مفهوم تداخل گسترده کار و معیشت، سکونت و عدم وجود تفکیک زمانی فعالیت‌ها در نظام زندگی روستایی است. از طرفی دیگر، «مسکن روستایی به عنوان استخوان بندی کالبد روستایی، نقش اساسی در شکل‌گیری ساختار فضایی کالبدی و هویت معماری روستایی دارد و مهمترین معیار رضایتمندی از آن در استحکام بنا نمود می‌یابد» (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

در این راستا، شایان ذکر است که بیشتر کشورهای در حال توسعه مباحث توسعه کالبدی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی مورد بی‌توجهی برنامه‌ریزان قرار گرفته است که منجر به توجه ناکافی به کدهای ساختمانی رسمی در مناطق مستعد به زلزله توسط سازندگان مسکن روستایی به دلایل اقتصادی و مالی و نظارت کمتر نهادهای محلی شده و به افزایش آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی در برابر زلزله منتهی شده است. با توجه به این که مسکن به عنوان استخوان بندی کالبد روستایی، نقش اساسی در شکل‌گیری ساختار فضایی کالبدی و هویت معماری روستایی خاصه در مناطق آسیب‌دیده از بحرانهای طبیعی دارد، ویژگی‌های فیزیکی و سازه‌ای آن نقش مهمی در میزان آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ایفا می‌کند. بنابراین «بررسی ادبیات موجود در زمینه دلایل آسیب‌پذیری مسکن روستایی و فرایند بازسازی علاوه بر ناپایداری حاصل ویژگی‌های زمین‌شناسی استقرارگاه سکونتگاه‌ها، به مواردی از قبیل استفاده از مصالح غیر استاندارد، عدم رعایت ضوابط فنی در ساخت و ساز، فرسودگی ساختمان‌ها، عدم نظارت موثر، نارسایی زیرساختی اقتصادی و غیره اشاره می‌کنند» (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

همچنین کشور ما جزء بلاخیزترین کشورهای است و روستاهای ما آسیب‌پذیرترین بافتها در برابر این بلایا بشمار می‌روند. زمانی این موضوع تامل برانگیز می‌شود که بدانیم تنها معدودی از واحدهای مسکونی روستایی

بشر از ابتدای خلقت تلاش داشته تا با حداقل امکانات و با سکنی‌گزیدن در مکانی، خود و اعضاء خانواده را از گزند سرما، گرما، جانوران و هموعان حفظ نماید. این مکان فیزیکی که محل سکنی و استقرار انسان بوده، امروز نام «مسکن» به خود گرفته است (شکرگزار، ۱۳۸۵، ص ۲). «مسکن» به عنوان مکان فیزیکی و سرپناه، نیاز اولیه و اساس خانوار به حساب می‌آید. در این سرپناه برخی از نیازهای خانواده یا فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی تأمین می‌شود (پورمحمدی، ۱۳۷۹، ص ۳)؛ از سویی دیگر، بی‌شک بازسازی مسکن بعد از وقوع بلایای طبیعی از محورهای مهم در فرایند مدیریت بحرانهای طبیعی است.

همچنین، مطالعه ابعاد «مسکن و خاصه مسکن روستایی» در حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی نقش بسیار مهمی در شیوه و «سبک زندگی» انسان و زندگی روزمره آن دارد و مشارکت روستاییان در ساخت مسکن خاصه در فرایند بازسازی پس از سانحه و تطورات مفهومی و رویکردی آن با مقوله الگوهای بومی و ساخت محلی و حتی امکان‌سنجی توسعه نیز موضوعی اساسی در این فرایندها در نظر گرفته می‌شود. این پدیده دارای ابعاد معنوی و مادی در ساختار فرهنگ هر جامعه‌ای خاصه در مناطق روستایی است، چراکه «خانه» پدیده‌ای است که منطبق با کلیت نظام اجتماعی حاکم بر فرهنگ انسانی در هر قوم یا ملتی شکل می‌گیرد و در واقع با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معانی و هنجارهایی که در فرهنگ رایج است که با توجه به سنت و آداب و رسومی که بر ساختار فرهنگ یک قوم، قبیله یا ملت حاکم می‌باشد فرم مادی و معنوی آن در فضای زندگی بوجود می‌آید و مسکن روستایی به عنوان تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی معیشتی بدلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی خانوارهای روستایی دارای تنوع بالایی است که این تنوع بر کیفیت مسکن و زندگی ساکنان آن موثر می‌باشد و دربرگیرنده فضایی برای زندگی، فعالیت اقتصادی و عملکردهای تولیدی،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۷۶

بادوام بوده و بقیه آنها را ساختمانهای کم دوام و بی دوام تشکیل می دهند، فرسودگی، افت کیفی شاخص های مسکن روستایی و آسیب پذیری سکونتگاههای موجود روستایی کشور در برابر حوادث طبیعی از یک طرف و رشد طبیعی جمعیت و کمبود مسکن از دیگر سو، و تغییر زیرساختهای نظام روستایی و شرایط زمانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روستا، و عدم پاسخگویی فضاهای قبلی به گرایشات جدید، نیاز به تامین مسکن جدید روستایی را بیش از پیش می نمایاند. اما در این میان، مساله پراهمیت ساخت مسکنی است که در کنار مقاوم بودن و پاسخگویی به نیازهای جدید ساکنان خود، واجد ارزشهای هویتی بوده و مبتنی بر الگوهای بومی مسکن روستایی بوده و کاربران را در فرآیند بازسازی مناطق زلزله زده دخیل کند. در این مقاله مفهوم مبانی نظری بازسازی پس از سانحه در نواحی روستایی مورد نظر قرار گرفته و به اجمال مورد بحث خواهد بود. در ادامه مقوله مشارکتهای مردمی در بازسازی پس از سانحه مورد اشاره قرار می گیرد. در پایان نیز با روش فراتحلیل نتایج و جمع بندی مطالعات انجام گرفته در این رابطه بیان می شود.

مواد و روشها

روش تحقیق در این مقاله «روش فراتحلیل» است که در روش «توصیفی-تحلیلی» و ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی برای جمع بندی تحقیقات، مطالعات و تجارب مشارکتی در زمینه بازسازی بعد از وقوع سانحه بهره برده است. فراتحلیل روش مهارتی است که در آن از روش های آماری و ریاضی استفاده می شود و درباره کیفیت تحقیق پیش دآوری نمی شود. در حوزه تحقیقات کیفی معماری، فراتحلیل به معنای جمع بندی و تقسیم بندی مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در مورد یک موضوع و تنظیم و تنسيق آنها و خلاصه سازی نتایج است. برای انجام فراتحلیل ابتدا باید حوزه ای انتخاب شود که نتایج مطالعات در آن حوزه دو پهلو و مشکوک باشد؛ سپس مراحل زیر به ترتیب پیگیری شود: «۱- شناسایی نتایج پژوهش ها، ۲- ترکیب نتایج پژوهش های انتخاب شده

و مقایسه آن ها با یکدیگر و ۳- ارزشیابی نتایج فراتحلیل به منظور کاهش خطا.» فراتحلیل شکاف های موجود در پیشینه، در دانش و برخی موارد، ضعف های نظری را آشکار می کند و برای تعیین نقاط قوت تحقیق بینش کافی را ایجاد می کند. یادآوری این مطلب خالی از لطف نیست که فراتحلیل پاسخ قطعی و نهایی برای درک مسائل تحقیقی و مانند سایر روش های تحلیل داده ها «پاریگر اندیشه است نه جایگزین آن».

پیشینه تحقیق

مسکن و خانه

مسکن و خانه مسکونی در زمره نیازهای اولیه بشری محسوب می شوند و در اغلب کشورها از حقوق اساسی شهروندان به شمار آمده و در بیانیه های بین المللی حقوق بشر نیز بخش خاصی در این رابطه مورد ملاحظه قرار گرفته است. همچنین «واحدهای مسکونی بخش اصلی بافت سکونتگاهها را به خود اختصاص داده اند و اهمیت و نقش این عناصر در شکل دهی به سکونتگاهها تردید ناپذیر می نماید» (علی الحسابی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳). برنامه سکونتگاه های انسانی سازمان ملل (۱۹۹۴) اساسی ترین منابع لازم در مکان جدید را موجود بودن زمین و آب و مناسب بودن زمین جهت ساخت و ساز برشمرده است. به نظر می رسد این عوامل به اضافه زمین مناسب کشاورزی جهت فعالیتهای اقتصادی مهمترین عناصر برنامه های جابجایی سکونتگاه می باشند.

در سالهای اخیر در معیارهای بازسازی و جابجایی سکونتگاه، رویکردهای مهندسی و اقتصادی به رویکردهای اجتماعی و علوم انسانی تغییر یافته اند. رویکرد اجتماعی به جابجایی سکونتگاه عمدتاً بر جنبه های سازماندهی جامعه، «مشارکت افراد در فرایند تصمیم گیری»، «توجه به نیازهای فردی و اجتماعی»، حساس بودن مسئولان نسبت به پیش زمینه های فرهنگی و قومی افراد جابجا شونده توجه دارد و مشورت با مردم را مهمترین عامل موفقیت در انتخاب مکان صحیح و طراحی مناسب سکونتگاه می داند. مسکن جهت توسعه و رفاه جوامع نقش ضروری دارد



و دارایی پیچیده‌ای است که به معیشت، بهداشت، آموزش، امنیت و ثبات اجتماعی و خانوادگی مربوط است. مسکن برای خانواده نقش یک مرکز اجتماعی را دارد که منشأ غرور و هویت فرهنگی و منبع اهمیت اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود. مسکن همچنین دارایی بسیار آسیب‌پذیری است و تخریب خانه‌ها یا جابجایی و سلب مالکیت از آنها یکی از مهمترین اثرات محسوس سوانح می‌باشد.

بحران و بازسازی

واژه بحران بیش از ۵ قرن پیش مطرح شد. موضوع مدیریت بحران در بلایای طبیعی اولین بار در سال ۱۹۸۹ در هشتمین کنفرانس جهانی زلزله در آمریکا توسط «دکتر فرانس پریس» مطرح شد. عبارت امروزی مدیریت بحران برای اولین بار توسط «مک فامارو»- با توجه به امکان درگیری موشکی آمریکا و کوبا- عنوان گردید. در ایران در تاریخ ۱۳۴۸/۳/۱۷ قانون پیشگیری و مبارزه با خطرات سیل به تصویب مجلس رسید و بعد در سال ۱۳۸۶ قانون مدیریت بحران کشور به تصویب مجلس رسید که به صورت سازمان شکل گرفت. دو دیدگاه در زمینه چگونگی ایجاد بحران عبارت بودند از: «۱. بحران زاییده پیچیدگی‌های تکنولوژی مدرن و ۲. عامل انسانی و خطاهای تصمیم‌گیری.» در عصر جدید و در هزاره سوم بحران‌ها واقعیتی جدایی‌ناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها گردیده‌اند. بحران‌ها در واقع در اثر رخدادها و عوامل طبیعی و غیرطبیعی (به طور ناگهانی) پدید می‌آید و سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند. مدیریت بحران برای مواجهه با موقعیت‌های غافل‌گیرکننده و غیر منتظره پیش از هر چیزی نیازمند تجربه، آمادگی، مهارت، سرعت عمل، هوشمندی و خلاقیت است. مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری برای کاهش اثرات بحران است. دانشمندان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در هنگام بحران بیشترین فشار بر مدیران سازمان وارد می‌گردد. از این رو مدیران برای مواجهه مناسب با

بحران نیازمند ایجاد آمادگی و پرورش قابلیت‌های خود می‌باشند. مدیریت بحران با توجه به نوع بحران‌ها (طبیعی- غیرطبیعی) و همچنین با عنایت به چرخه بحران نیازمند اقداماتی هستند که ضمن انجام آن اولاً حتی‌المقدور خسارات ناشی از بحران را به حداقل برسانند و ثانیاً مانع وقوع اتفاقات ثانویه گردند. یک تعریف ساده و کلی از وضعیت بحرانی به قرار زیر است: «وضعیت بحرانی وضعیتی است که بر اثر وقوع یک حادثه مشخص روی داده به طوری که سازمان‌های معمول با منابع و امکانات موجود قادر به مقابله با آن نیستند. به عبارت دیگر فراتر از توان سازمان‌های معمول و موجود است. این گونه بحران‌ها معمولاً در اثر حوادث طبیعی رخ می‌دهند و اثرات آنها حداقل به طور بالقوه و اغلب در عمل خطرناک، ویرانگر و کشنده می‌باشد.» «بحران در واقع حوادثی را شامل می‌شود که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می‌آید و خساراتی را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند که برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق‌العاده دارد» (شکیب و مقدسی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

نکته قابل توجه در این امر این است که تمامی تقسیم بندی‌های به ظاهر متفاوت دارای محتوای یکسان می‌باشند و تفاوت تنها در صورت ظاهری و تقسیم بندی‌ها است. «مدیریت بحران، اصطلاحی که تمامی جنبه‌های برنامه‌ریزی برای بحران و مرتبط با بحران مشتمل بر فعالیت‌های قبل و بعد از بحران را دربرمی‌گیرد. همچنین این اصطلاح به مدیریت هر دو جنبه مخاطرات و پیامدهای بحران نیز می‌پردازد. به عبارت دیگر مدیریت بحران در واقع عبارت است از ایجاد آمادگی و فراهم کردن تمهیدات و تدارکات لازم برای رویارویی با بحران و یا به حداقل رساندن آثار تخریبی آن» (آهنچی، ۱۳۷۶، ص ۸).

مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مقامات دولتی و دستگاه‌های اجرایی دولتی، عمومی، شهرداری و... است که با مشاهده، تجزیه و تحلیل بحران‌ها، به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای

موجود تلاش می کند از بحران‌ها پیشگیری نماید یا در صورت وقوع آن‌ها، در جهت کاهش آثار، ایجاد آمادگی لازم، مقابله، امداد رسانی سریع و بهبود اوضاع تا رسیدن به وضعیت عادی و بازسازی تلاش کند (آیسان و دیویس، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

برنامه جامع و یکپارچه مدیریت بحران دارای اجزا و مراحل است، که هر یک از مراحل آن باید در زمان خاص خود (قبل از بحران، در حین بحران و یا بعد از بحران) انجام شود، تا موفقیت برنامه در مقابله با بحران را تضمین نماید. بر پایه اصول و فرآیند مدیریت، مدیریت بحران شامل سه مرحله اساسی است. این سه مرحله شامل آمادگی در برابر وقوع بحران، امداد رسانی و پاسخگویی در شرایط رویداد بحران و بهبودی و بازسازی پس از بحران می باشد (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۳۴).

همانگونه که در نمودار زیر مشاهده می شود فعالیت‌های مدیریت بحران در چهار مرحله پیشگیری آمادگی مقابله و بازسازی قابل دسته بندی هستند (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵).

بی تردید تحلیل نقش و جایگاه توسعه ظرفیتی در جهت کاهش اثرات سوانح طبیعی (زلزله) شناخت چهار مؤلفه اساسی چون درک مفهومی توسعه، آسیب پذیری و ظرفیت محلی، شناخت مفهوم سانه، درک مفهومی از ظرفیت و توسعه ظرفیتی و نیز شناخت رویکردهای مدیریت سوانح را الزامی می سازد. اگرچه سوانح و بلایای طبیعی و حوادث انسان ساز سابقه‌ای طولانی به قدمت حیات بشر در کره زمین دارند و انسان در طول حیات خود دائماً در مواجهه با این گونه حوادث بوده و آسیبه‌ها و خسارات آن را متحمل گردیده است، لیکن بررسی علمی موضوع سوانح و روشهای مقابله با آن و چگونگی شیوه‌های بازسازی و جبران خسارت، هنوز دانشی جوان به شمار می آید و مطالعات تئوری در پژوهشهای سوانح بسیار محدود است. «دیویس و آیسان» با اشاره به تفاوت‌های موجود میان انواع سوانح، بر لزوم بررسی‌های علمی مناسب و متعدد در مطالعات سوانح تأکید دارند و در این خصوص اظهار شده است که علیرغم این که هر سانه از نظر

نوع، زمان و محدوده اش منحصر به فرد است، مشکلات پس از سوانح اساساً مشابه است. در کتاب «معماری و برنامه ریزی بازسازی»، مجموعه‌ای از هشت بخش مشتمل بر «بناها، زیرساخت‌ها، دارایی‌های اقتصادی، بخش اداری و سیاسی، روان شناختی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی» به عنوان بخشهای آسیب پذیر در برابر خسارات مادی و معنوی سوانح معرفی شده‌اند (آیسان، یاسمین و یان دیویس، ۱۳۸۲).

در پژوهشهای سوانح نیز با توجه به اثرات گسترده آنها بر ابعاد مختلف جامعه، رویکردهای مختلفی وجود دارد. مطالعات علمی سوانح و بازسازی، از یکسو به حوزه مباحث فلسفی، روان شناختی، موضوعات جامعه شناسی و سیاسی، اقتصادی و دیدگاه‌های رفتارشناسی و نظریه‌های سازمان اجتماعی گسترش یافته و از سوی دیگر شامل پژوهش‌ها و نظریه‌های زیست بوم انسانی درباره بلایای طبیعی و مطالعات تخصصی در رابطه با پیامدهای فاجعه و انواع هشدارها، مقابله با اثرات ناشی از فاجعه، ساماندهی کوتاه مدت و روشهای بازسازی درازمدت و کوتاه مدت می گردد (علی‌الحسابی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲). آشنایی با رویکردهای مختلف پژوهشهای سوانح، می تواند به شناخت بهتر و درک کاملتر موضوع بازسازی سکونتگاه و مسکن یاری رساند.

مشارکت و مشارکت در بازسازی

واژه مشارکت (بر وزن مفاعله)، به معنای شرکت دوجانبه و متقابل افراد برای انجام امری است که در فرهنگ آکسفورد آن را کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنی کرده‌اند، اما واژه نیز همانند بسیاری از مفاهیم اجتماعی دیگر، (متناسب با بستر و کارکرد) در حالت‌های متفاوتی عنوان شده، به طوری که «گاهی خودجوش، مردمی و بر پایه تفکرات شخصی و در مواردی مدیریتی و تحمیلی، تفسیر شده است به طوری که در خصوص نقش ابزاری و هدف بودنش نیز اختلاف نظر فراوانی وجود دارد».

در کشورهای مختلف جهان روش‌های مختلفی در مورد مشارکت مردم در بازسازی مناطق زلزله زده ارائه یا به مواجهه گذاشته شده است. نمونه‌های متعددی





نمودار ۱. چرخه اصلی مدیریت بحران؛ ماخذ: تیموری، ۱۳۸۳، ص ۲۲.

محیط و پیچیدگی های امر مداخله در کالبد روستا است و تصمیم گیران امر مسکن و سکونتگاه های روستایی لازم است نسبت به ابعاد پیچیده کار آگاه باشند» (زرگر، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹).

با این حال بررسی کارایی برنامه های بازسازی مسکن پس از سانحه نشان می دهد که کمک های خانه سازی غالباً سیر بهبود و بازگشت به حالت عادی را به تأخیر انداخته و علاوه بر آن نوعی وابستگی به وجود آورده است و همچنین ظرفیتهای و استعداد های بومی جامعه مصیبت زده به واسطه برنامه های ناقص و بی مطالعه به شدت آسیب دیده اند. این در حالی است که با توجه به حجم گسترده سرمایه گذاریها و تحقیقات در بخش مسکن پس از سانحه و روشهای مقاوم سازی، ساختمانهای پیش ساخته و برنامه های جابجایی سکونتگاهها، میزان موفقیت این اقدامات و میزان پذیرش آنها از طرف جامعه آسیب دیده و نیز میزان تطابق آنها با نیازهای فیزیکی و فرهنگی ساکنان حائز اهمیت بوده و پایداری سیاستهای اتخاذ شده با هدف ایمنی در برابر سوانح آتی قابل ملاحظه است. جدول ۱. اقدامات جهانی صورت گرفته درباره آموزش

در داخل و خارج کشور می توان یافت که به دلیل مشارکت مردم در تصمیم گیری و برنامه ریزی و مراحل اجرایی، بازسازی مناطق زلزله زده موفقیت آمیز بوده است و می تواند دارای نکات بسیار آموزنده ای برای به کارگیری این تجارب باشد. تا قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی توجه عمده برنامه های بازسازی و مقاوم سازی کالبدی از سوی دولت و نهادهای حمایتگر بدون دخالت مردم محل انجام می گرفت؛ ولی فضاهای ایجاد شده با عملکرد ساکنان به واسطه ویژگی های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی معین و مشخص هر محدوده زیستی، مطابقت و سازگاری لازم را نداشتند و با آشکار شدن آثار منفی ساخت وساز یک جانبه دولتی، گرایش به سیاست دخالت مردم در امور بلایای طبیعی قوت گرفت. «در عین حال، در مورد ساختار مسکن و سکونتگاه های روستایی نباید ساده انگاری کرد. مسکن و بافت روستایی برخلاف آنچه در ابتدا ممکن است به نظر برسند، پدیده هایی چندجانبه و بسیار سنجیده و پیچیده اند. کالبد یک روستا بیشتر از تعدادی سرپناه و عنصر اصلی معماری روستا، خود روستایی است. بنابراین اولین گام در جهت مداخله صحیح، شناخت

و مشارکت در زمینه مدیریت بحران؛ ماخذ: تقوایی و کریمی، ۱۳۹۰، ص ۲۵.

اغلب برنامه ریزی بازسازی مسکن بدون در نظر گرفتن فرایند معمول خانه سازی پیش از سانحه، تنها با محاسبه تعداد خانوارها، مواد و مصالح و میزان سرمایه موجود و نهایتاً طراحی چند الگوی محدود بر اساس سرمایه لازم جهت ساخت هر واحد ارائه شده و بازسازی انبوه با استفاده از نیروهای آموزش دیده استخدامی، آغاز می گردد. بنابراین معیارهای موفقیت برنامه ها تنها از نظر مداخله گران و بدون توجه به جامعه محلی و رضایت آنها تعیین می گردد که شامل تعداد مسکن حادثی در محدوده زمانی مشخص، میزان بودجه بکار رفته و درصد خانوارهای اسکان داده شده می باشد. از این رو پس از اتمام بازسازی هیچ مهارتی در جامعه ایجاد نشده، نیروهای محلی بکار نرفته، مصالح مورد استفاده اغلب در دسترس نبوده و افراد توانایی تعمیر و نگهداری ساختمانهای جدید را ندارند. این چنین فرایند معمول مسکن در جامعه آسیب می بیند. این چنین مداخلات کوتاه مدت بدون توجه به اثرات برنامه ها بر جریان مالی، مالکیت زمین و فرایند ساختمان سازی، پیامدهای بلندمدتی در جامعه ایجاد می کنند که اغلب خود مداخله گران از آن آگاهی کامل ندارند.

مروری بر متون نظری بازسازی، حاکی از آن است که تا دهه های گذشته تنها جنبه های کالبدی و ملموس مسکن از نظر فنی، اقتصادی و آن هم از نقطه نظر سازمان های مسئول مورد توجه قرار می گرفته و در دهه اخیر همراه با اهمیت یافتن رویکردهای اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اهداف توسعه پایدار به تدریج ابعاد دیگر فرایند تأمین مسکن پس از سانحه و ظرفیتهای نیازهای جامعه محلی نیز مورد توجه قرار گرفت؛ بنابراین از آنجا که تنوع معماری روستاها، ناشی از تأثیر عوامل مختلف جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری کالبد روستا است که هیچ کدام به طور مستقل عمل نکرده و در رابطه با تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر قرار دارند. در مجموع به نظر می رسد عدم موفقیت بسیاری از برنامه های

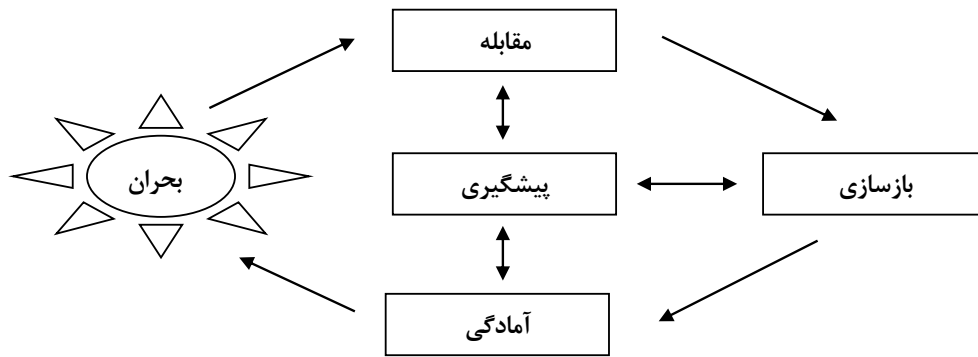
جابجایی سکونتگاه های روستایی ناشی از فقدان شناخت کامل از پیچیدگی های روستا است که شرایط بحرانی پس از سانحه نیز آن را تشدید می نماید. لذا به منظور موفقیت در برنامه ریزی و طراحی بازسازی کالبد روستاها، باید ملاحظات همه جانبه ای نسبت به روابط متقابل ابعاد مختلف جامعه روستایی مدنظر قرار گیرد. نیازهای مردم آسیب دیده، مشارکت آنها در بازسازی و تلاش سازمانهای مسئول بازسازی به عنوان حلقه های اساسی زنجیره ای هستند که به بازسازی و توسعه می انجامد. حلقه مشارکت مردمی در ارتباط زنجیره ای نیازهای آسیب دیدگان و سازمان مجری متضمن استحکام این دو حلقه بوده و بازسازی برای مردم و همراه با آنها شرط موفقیت بازسازی شمرده شده است. موضوع دیگری که مکرر تکرار شده و مشکل زا نیز بوده است، مسئله مدرنیزه کردن به هنگام بازسازی است. در فرایند بازسازی جامع، اغلب دیدگاه های اصلاح طلبانه که خواستار تغییرات بنیادی هستند و محافظه کارانه که به ترمیم خسارات می پردازند، در مقابل هم قرار می گیرد. با توجه به ضرورت ایجاد تغییرات و نیز استمرار آنچه وجود داشته است، ایجاد تعادل میان این دو دیدگاه ضرورت دارد.

در دهه ۹۰ میلادی به رابطه میان توسعه و آسیب پذیری در برابر سوانح توجه خاصی مبذول شده است. توسعه می تواند موجب کاهش یا افزایش آسیب پذیری اجتماع شود و در این که کدام اقشار اجتماع آسیب پذیری بیشتری را متحمل خواهند شد تعیین کننده باشد (UN-Habitat, 2007: 174-175)؛ بنابر گزارش بانک جهانی، خسارات ناشی از سوانح طبیعی در کشورهای در حال توسعه ۲۰ برابر کشورهای توسعه یافته است. وقوع سوانح ریشه های آسیب پذیری جامعه از جمله فقدان دسترسی مناسب به اطلاعات، منابع اندک اقتصادی برای حفظ امنیت، انهدام محیط زیست، کمبود شبکه های اجتماعی یا اقتدار ناچیز سیاسی را آشکار می نماید و میزان توسعه یافتگی یک جامعه در موفقیت باز توانی و بازسازی آن نقش مؤثری دارد (آیسان، یاسمین و یان دیویس، ۱۳۸۲). «لیور»

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۱



نمودار ۲. چرخه سیستم مدیریت جامع بحران؛ ماخذ: حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵.

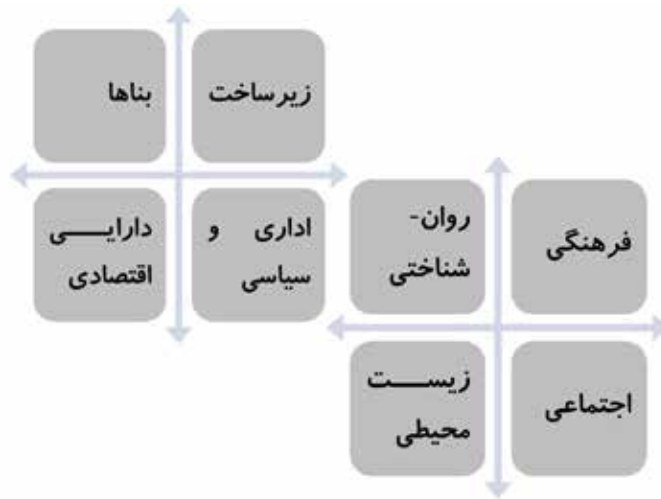
اقدام لازم در جهت گیری جامعه به سمت توسعه «به خاطر سپاری سانحه» معرفی شده که در فرایند التیام بخشی جامعه مؤثر است و پیامدهای توسعه نامناسب را خاطر نشان می‌سازد. بدین ترتیب ادغام اصول کاهش خطر سوانح در برنامه‌های ساماندهی و بازسازی از اهداف مهم رویکرد توسعه‌ای می‌باشد و در این راستا موفقیت‌آمیزترین اقدام، مشارکت و همکاری میان مسئولان و جامعه محلی و جامعه مهندسی است تا عملیات و منابع دولتی، با توجه به حساسیت‌های فرهنگی جامعه محلی، با ظرفیتهای فنی جامعه مهندسی ترکیب شوند و به بازسازی گذشته بهتر بیانجامد (UN-Habitat, 2007: 216).

در این میان نقش مردم آسیب‌دیده در فرایند بازسازی و بازسازی از افرادی «درمانده و محکوم» و نظاره‌گر به تدریج به «فعالان مشارکت‌کننده» در فرایند برنامه‌های پس از سانحه تغییر یافته است. تجارب نشان می‌دهند که انجام کلیه امور بازسازی توسط دولت و سازمانهای امدادگر بدون در نظر داشتن مردم، موجب بالا رفتن سطح توقعات جامعه، نارضایتی آنها و اعمال تغییرات کالبدی و در نتیجه افزایش میزان آسیب‌پذیری گردیده است. در مقابل در متون مختلف بارها تأکید شده است که مشارکت مردم در عملیات بازسازی موجب انطباق طرحها و برنامه‌ها با نیازهای مردم، کاهش هزینه‌ها، پایداری برنامه، افزایش رضایتمندی جامعه و تسریع بازتوانی می‌گردد. «مشارکت مردم در بازسازی» پس از سانحه همواره با اهمیت و سودمند تلقی شده و با

با رویکردی اجتماعی و فرهنگی، یکی از مشکلات اساسی در موفقیت برنامه‌های بازسازی را سیستم‌های اجتماعی سراسر جهان معرفی کرده و با اشاره به مقابله دو فرهنگ محلی و خارجی در شرایط پس از سانحه، بر اهمیت ساختارهای عمیق اجتماعی در برابر ساختارهای سطحی که معمولاً از دید مداخله‌گران خارجی پنهان است، تأکید می‌نماید و معتقد است سازمانهای خارجی نمی‌توانند راه‌حلهای مناسب مسکن برای فرهنگ بومی ارائه دهند.

با توجه به اهمیت بازسازی مسکن پس از سانحه، علی‌الحسابی چند سؤال اساسی در بازسازی را چنین طرح نموده است (علی‌الحسابی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴):

۱. ویژگی بازسازی و آنچه آن را از روند ساخت و ساز عادی متفاوت می‌کند چیست و چگونه قابل ارزیابی است؟
 ۲. چگونه می‌توان خانه‌ای ویژه برای مخاطبان خاص ساخت؟
 ۳. چگونه می‌توان طرحی انعطاف‌پذیر جهت انطباق با مراحل و ویژگیهای بازسازی داشت؟ و
 ۴. چگونه می‌توان عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ساخت مسکن را با عنصر زمان و مکان که در بازسازی مناطق سانحه‌دیده از مهم‌ترین عوامل به شمار می‌آیند، تلفیق و هماهنگ نمود؟
- همچنین در مورد ابعاد فرهنگی برنامه‌های پس از سانحه، در گزارش برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، با تأکید بر فرهنگ سانحه در جامعه، مهمترین



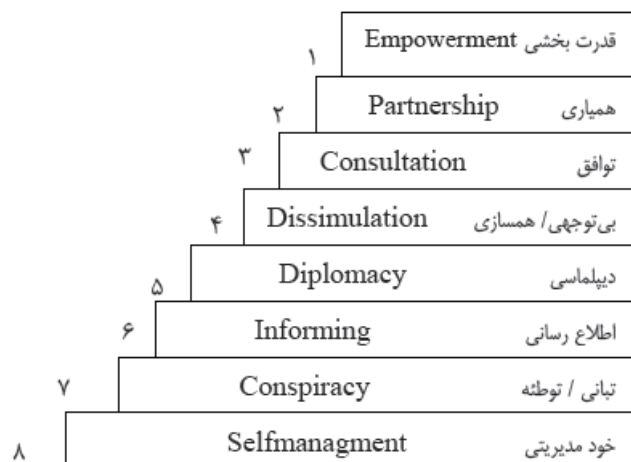
نمودار ۳. بخشهای آسیب پذیر در برابر سوانح طبیعی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس آيسان، یاسمین و یان دیویس، ۱۳۸۲.

گذشت زمان ضرورت آن هرچه بیشتر به اثبات رسیده است. در کشورهای مختلف جهان در مورد مشارکت مردم، تعاریف، فرضیه ها و روشهای مختلفی ارائه شده یا به تجربه گذاشته شده است. در تمام این روشها نقش مردم بین حضور و مشارکت مردمی است که عمدتاً خود به عنوان افراد ذینفع در طرحهای بازسازی مطرح می باشند. طی نیم قرن گذشته، مشارکت مردم به عنوان یک استراتژی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی در نتیجه یک درک جدید از توسعه مطرح شده است. با این که در کشورهای در حال توسعه به طور گسترده ای مشاهده می گردد که برنامه های توسعه به دلیل سیاستهای متمرکز به هدف خود نرسیده اند، موفقیت برنامه های بازسازی و عمرانی، ناشی از سطح بالای مشارکت مردم بوده است.

طبیعت به خانه و نیز حفظ ارتباطش با آن در قالب فضای مصنوع خانه می کند؛ ۲. دوم؛ خانه دارای شانی انسانی است و به همین جهت برای خانه حیوانات از اصطلاح دیگری (لانه) استفاده می شود؛ واژه ای که گاه برای تحقیر و کوچک شمردن برخی خانه های نامطلوب نیز از آن استفاده می شود. این شان انسانی به عبارت دیگر همان توان پاسخگویی به طیف گسترده ای از نیازهاست؛ ۳. سوم؛ خانه برای تعداد دیگری از افراد، نقطه مقابل محل کار است، فضایی عمومی، با فعالیت هایی مشخص و محدود و میزان قابل توجهی از اعمال محدودیت. در این رویکرد، خانه با آزادی و اختیار و نیز حریم خصوصی در ارتباط معنایی قرار می گیرد؛ ۴. چهارم؛ هر فضای خصوصی ای حکم خانه را ندارد. مردم از برخی فضاها صحبت می کنند که گرچه خصوصی است ولی خانه قلمداد نمی شود. بنابراین خانه، فضایی حداکثری برای پاسخ به طیف وسیعی از نیازهاست؛ ۵. پنجم؛ خانه نوعی مقاومت و استحکام در ذات خودش دارد که لازمه استمرار آنست و خانه برای خانه شدن باید گذر زمان را پذیرا بوده و در خود جای دهد. این مسئله انتقال از سکونتگاه ناپایدار به پایدار، به لحاظ فرهنگی اتفاق مهمی تلقی می شده و برای همین انسان ها واژه خانه را ساخته اند که بر تمایز

نتیجه گیری و جمع بندی

در رابطه با مفهوم مسکن باید گفت که؛ ۱. اول؛ خانه، فضایی امن است که انسان در مقابل ناامنی نهفته در طبیعت، ناگزیر برای خود می سازد ولی به محض قرار گرفتن در چهاردیواری آن، احساس دلتنگی برای طبیعت و نیز نگرانی بی خبری از احوالات آن و خطرات احتمالی اش اجازه نمی دهد که این انقطاع را پذیرا باشد. برای همین به شیوه های مختلف سعی بر آوردن



نمودار ۴. طبقه بندی ارزشناستین از مشارکت، ماخذ: Eklund, L. ۱۹۹۹, p. ۳۷

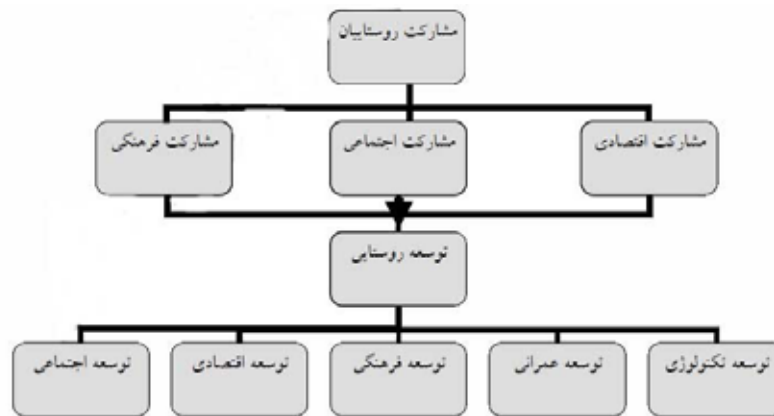
آن رفت مسکن از لحاظ بیرونی و درونی نیز قابل بحث است به این صورت که از لحاظ درونی همچنان که بحث آن رفت مسکن از لحاظ شرایط فیزیکی و فرهنگی معقول باشد. ولی این مسکن که در رابطه با محیط بیرونی خود نیز باید هماهنگی داشته باشد و بطور قطع مسکنی که از لحاظ شرایط درونی کامل است ولی از لحاظ انطباق با محیط بیرون مثلاً از نظر شرایط فرهنگی انطباق کافی نداشته باشد چندان مطلوب نخواهد بود.

بررسی معماری جدید روستاها نشان می دهد که بافت روستاها به سرعت در حال تغییر چهره دادن و دور شدن از نظام ارزشمند روستایی و شبیه شدن معماری روستاها به معماری شهری می باشد. بلاخیز بودن کشور و نیاز به تامین مسکن جدید، نوسازی بافت روستاها را امری گریز ناپذیر نموده و اقتصاد ضعیف روستائیان انجام این مهم را بدون حمایت و مشارکت دولت ناممکن می سازد. بررسیها نشان می دهند، علی رغم تحقق اهداف کمی طرحهای مسکن روستایی در ایران، ابعاد کیفی آن چندان موفقیت آمیز نبوده و این در حالی است که پرداختن به الگوهای بومی از همان مراحل آغازین، جزء رسالت طرح بوده و اقدامات گوناگون در این راستا انجام پذیرفته، که مهمترین آنها تدوین الگوهای بومی مسکن روستایی توسط مشاورین مادر می باشد، اما با این وجود ساخت و سازهای معاصر روستایی از تامین

این فضای سکونتی از سایر فضاهای پیشینش تاکید کنند؛ ۶. ششم؛ درنهایت خانه به یک معنا، سرمایه و دست ساخته مهمی است که به عاملی برای قشر بندی اجتماعی جامعه محسوب می شود.

همچنین باید گفت که؛ مسکن با فضای زندگی از دو جهت باید کارایی داشته باشد: ۱. یکی از نظر جوابگویی و ایجاد محیط راحت از جنبه شرایط فیزیکی یعنی ایجاد محیطی با درجه حرارت مطلوب، فشار مناسب، رطوبت معقول و کوران هوا و نور مناسب و نظایر آن و ۲. دیگری از نظر جوابگویی به نیازهای معنوی مردم، یعنی ایجاد فضاهای مناسب با طرز زندگی و نوع فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی، این دو شرایط اگر با هم به کاملترین نحوی جمع شود ایجاد مطلوبترین مسکن را خواهند نمود.

اگر هر کدام از این دو جنبه کمبودی داشته باشد مسکن به نحو خوبی پاسخگو نخواهد بود. به عنوان مثال مسکنی که از لحاظ شرایط فیزیکی با بهترین حالت طراحی و با استفاده از بهترین تکنولوژی به حالت بهینه باشد ولی فضایی مناسب با طرز زندگی افراد نداشته باشد به هیچ وجه مطلوبیت نیست و برعکس ایجاد فضایی کاملاً منطبق با شرایط فرهنگی ولی فاقد شرایط زیستی غیرقابل تحمل است. موضوع مطلوبیت مسکن از لحاظ بیرونی و درونی نیز قابل بحث است به این صورت که از لحاظ درونی همچنان که بحث



نمودار ۵. تاثیر مشارکت روستاییان بر توسعه؛ ماخذ: افتخاری و فیروزنیا، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵.

کیفیت فضایی مطلوب فاصله زیادی دارد. این مشکلات را می توان در اثر دو عامل: «۱- عدم جامعیت الگوهای تدوین شده و ضعف آنها در انطباق با تمام جوانب زندگی روستایی؛ و ۲- موانع اجرایی»، طبقه بندی نمود. بازنگری این دو عامل در عملکرد چهار حوزه درگیر با معماری مسکن روستایی، یعنی روستائیان به عنوان کارفرما، دفاتر فنی و مهندسی به عنوان نیروی متخصص، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان متولی اجرا و مشاوران مادر به عنوان تهیه کنندگان الگوهای مسکن روستایی، نشان دهنده این موضوع هستند که علی رغم وجود بعضی مشکلات در الگوهای تدوین یافته، فرصت مناسب جهت ایجاد ساز و کار لازم برای اجرای کامل الگوهای مسکن روستایی به وجود نیامده است.

مالی مشروط و قانونمند به همراه حمایت فنی با هدف احداث خانه های مقاوم.

۳. «رویکرد بازسازی توسط جامعه»: رهبری توسط نهادها، با مشارکت فعال جامعه در تصمیم گیری و مشاوره.

۴. «رویکرد بازسازی پیمانکار محور در جاسازی در محل»: اجرا توسط نهادها و به کارگیری شرکت های پیمانکاری، به منظور در جاسازی خانه های تخریب شده.

۵. «رویکرد بازسازی توسط پیمانکار در سایت جابه جا شده»: اجرا توسط نهادها و بکارگیری شرکت های پیمانکاری، به منظور احداث خانه های جدید در سایت جابه جا شده.

منابع و ماخذ

آهنچی، محمد (۱۳۷۶) مدیریت سوانح: سوابق، مفاهیم، اصول و تئوریهها، کتاب یکم، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش و تحقیقات: تهران.

آیسان، یاسمین و یان دیویس، (۱۳۸۲) معماری و برنامه ریزی بازسازی، ترجمه دکتر علیرضا فلاحی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

بهرامی، رحمت الله (۱۳۸۷) تحلیلی بر آسیب پذیری سکونت های روستایی در برابر زلزله: مطالعه موردی استان کردستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱،

به طور کلی، پنج رویکرد در اکثر پروژه های بازسازی مسکن پس از سانحه به کار گرفته شده اند. رویکردهای مزبور در برخی اوقات به صورت ترکیبی و با توجه به مقیاس خسارت، شدت واقعه، و وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی منطقه آسیب دیده، به شرح زیر اتخاذ می شوند:

۱. «رویکرد پول نقد»: کمک مالی بی قید و شرط از جانب دولت و نهادهای مسوول به مالک خانه بدون حمایت فنی.

۲. «رویکرد بازسازی با هدایت مالک»: کمک

جدول ۱. اقدامات جهانی صورت گرفته درباره آموزش و مشارکت در زمینه مدیریت بحران؛ ماخذ: تقوایی و کریمی، ۱۳۹۰، ص ۲۵.

کشور	اقدامات صورت گرفته درباره آموزش و مشارکت شهروندان
ژاپن	برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه پیشگیری از حریق، تهیه برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، چاپ و انتشار نشریات و جزوات مختلف برای گسترش دانش ایمنی جامعه، تعیین روز پانزدهم هر ماه، در شهر یکوهاما به عنوان پیشگیری از بلایا و دعوت از تمامی شهروندان برای انجام فعالیت‌های پیشگیری از حوادث و آتش سوزی. نام گذاری روز ۹ نوامبر به عنوان روز به یاد داشتن شماره تلفن آتش نشانی و روز ۲۶ فوریه، به عنوان روز پیشگیری از آتش سوزی در بناهای فرهنگی (تقوایی و ترک زاده ۱۳۷۸:۱۳۰).
آمریکا	آموزش عمومی اصول مبارزه با آتش و رعایت اصول پیشگیری از حریق، ایجاد «انجمن غیر دولتی حفاظت از حریق آمریکا N.F.P.A»، نام گذاری روز ۹ اکتبر به عنوان روز ملی پیشگیری از حریق (قاسملو، ۱۳۸۲:۵۸).
انگلستان	بهره گیری از مشارکت آموزگاران در فعالیت‌های آتش نشانی، ایجاد نهاد Understanding British (UBI industry) به منظور کارورزی آموزگاران برای بهبود پیوندهای میان آموزش و اشتغال از طریق شناختی دو جانبه (علوی تبار، ۱۳۷۹:۱۳۱). اختصاص ستون ویژه‌ای از آموزش‌های عمومی در مطبوعات. تهیه مجله بین‌المللی آموزش عمومی اصول پیشگیری از حریق به نام Fire International در این کشور (ملاعلی، ۱۳۷۸:۲۸).
ایتالیا	بکار گرفتن نیروهای داوطلب مردمی در کنار نیروهای حرفه‌ای آتش نشانان، ارائه لباس‌های فرم و تجهیزات به نیروهای داوطلب، تلاش در زمینه آموزش و تمرین کافی نیروهای داوطلب، وجود ۸ دسته نیروی داوطلب شامل ۳ هزار نفر شهروند در کنار آتش نشانان حرفه‌ای، ایجاد نیروهای متنوع مردمی از قبیل شهروندان عادی، گروه‌های داوطلب غیر نظامی، انجمن‌ها و تشکلهای غیر حرفه‌ای (علوی تبار، ۱۳۷۹:۱۲۹).
چین	ایجاد ۱۳۵ هزار دسته آتش نشانی داوطلب در حدود ۱۰ میلیون نفر عضو. آموزش کودکان و نوجوانان در زمینه فعالیت‌های ایمنی و امدادی، ایجاد جلسات اطلاع رسانی درباره پیشگیری از حریق برای دانش آموزان خردسال در مدارس شهر، ایجاد دسته‌های آتش نشان نوجوان در سراسر چین (همان، ۱۳۰).



نمودار ۶. الزامات یک بازسازی موفق و پایدار؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. مطالعات انجام گرفته و نتایج و رهنمودهای حاصل از آن؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مطالعات تحقیق.

ردیف	محقق و صاحب نظر	محل و مورد پژوهی	نتیجه تحقیقات و رهنمودها
۱	Coburn et al., 1984, 50	روستاهای زلزله- زده استان یبکول ترکیه	(*) ضرورت مشارکت فراگیر روستاییان در برنامه فرایند بازسازی؛ (* وجود حمایتها در جهت بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان در چرخه مدیریت بحران و فرایند بازسازی؛ (* تلاش در زمینه بازگشت زلزله زدگان به زندگی موفق و کامیاب که مشارکت آنان را در برنامه بازسازی افزایش می دهد.
۲	Lesline, 1986, ۴۱	مناطق زلزله زده دسامبر ۱۹۸۲ یمن	(*) دلیل موفقیت نسبی مشارکت در بازسازی: ۱. برنامه آموزشی روستاییان زلزله زده؛ ۲. جلب نظر روستاییان به خطرهای ساختمان های غیر مستحکم؛ ۳. افزایش آگاهی آنها از خطر زمین لرزه؛ ۴. پیشنهاد تکنیک های ساده محکم کاری و ۵. استفاده از مصالح و مهارت های محلی تاثیر گذار در مشارکت مردم در بازسازی مسکن مناطق زلزله زده روستایی.
۳	مهاجر اشجعی و همکاران، ۱۳۶۵	مناطق زلزله زده سپتامبر ۱۹۸۵ مکزیک	(*) عوامل موفقیت مشارکت زلزله زدگان در بازسازی: ۱. مدیریت و تسلی گیری رهبران محلی؛ ۲. بصیرت معماران؛ ۳. طراحی خانه، آموخته بودند چگونه به نیازهای مردم گوش فرادهند و از طریق مهارت های خود این نیازها را برآورده سازند؛ ۴. کمیت هایی از مردم که نیازها را به طراحان منتقل می کردند و بعدها خود به یکی از رکن های فرایند تصمیم گیری بدل شده اند.
۴	Wood and Anderson, ۱۹۸۹	سال ۱۹۸۹ در بررسی بازسازی خانه های زلزله زده گوانتالا	(*) توجه به مشارکت مردم دلیل اصلی موفقیت پروژه خانه سازی در گوانتالا؛ (* ایجاد و توسعه شبکه ای از سازمان های جمعی محلی؛ (* منتقل ساختن اصول ساختمان سازی مقاوم در برابر زلزله به مردم؛ (* استخدام کارکنان از روستاییان و ساکنان هر محل تا حد امکان. (* ایده خودتکایی و دخالت مردم محلی در زمینه های اجتماعی و اقتصادی؛ (* استفاده از کارکنان مروج، از میان ساکنان بومی روستایی؛ (* استفاده از پروژه ها و طرح های مسکن مطلوب و سازگار با مناطق روستایی زلزله زده در داخل جامعه به جای استفاده از پروژه های وارداتی؛ (* استفاده از تیم کارگران محلی هم به عنوان نیروی کار و هم پیشنهاددهنده لازم برای طراحی.
۵	Marcillia, Syam Rachma & Ohno, Ryuzo (2012)	سال تحقیق ۲۰۱۲ بر روی زلزله جاوا در سال ۲۰۰۶	(*) اهمیت بازسازی مسکن با حساسیت فرهنگی و اعمال مولفه های فرهنگی بر آن، (* اهمیت موارد مربوط به کاربرد خانه، تطبیق رفتار، ارزیابی و مشارکت در فعالیت های جامعه روستایی؛ (* نارضایتی نسبت به طراحی غیر قابل تغییر مسکن های اهدایی؛ (* اهمیت دهی به تعاملات اجتماعی، انعطاف پذیری و طراحی باز در محیط های ساخت برای بازسازی مناسب بعد از سانحه؛ (* همگونی تغییرات فیزیکی و توسعه از حالت موقت به دائم مانند گسترش اندازه و تعداد اتاق، تغییر فضا، تغییر کاربری، با نظرات و رضایت ساکنان و زلزله زدگان؛ (* اهمیت فضای مهمان به عنوان یک فضای تعامل اجتماعی؛ (* اهمیت بالای فضای خصوصی به تعداد کل اتاق ها و اضافه کردن اتاق خواب؛ (* ارتباط فضای تعامل اجتماعی و فضای خصوصی به طور همزمان؛ (* التفات به آرایش و تخصیص فضای «خودی» (شخصی) و «دیگران» (فردی) و اینکه چگونه به آرایش فضایی ثابت و نیمه ثابت عناصر خانه ها اقدام شود، چگونه باید انجام شود؛ (* حساسیت نیازهای فرهنگی ساکنان خاصه در مسکن اهدایی در مناطق زلزله زده روستایی؛ (* عدم اجبار به انطباق و وقف یافتن یا جنبه های فیزیکی و رفتاری مسکن های جدید؛ (* حفظ شیوه زندگی فردی و اجتماعی قبلی روستاییان؛ (* اهمیت رفتار اجتماعی و اهمیت معانی، ارزشها و ایده آل های رفتار اجتماعی در شناخت روستاییان از فضاها در خانه و همچنین تطبیق رفتار آنها.
۶	Gopalan, ۲۰۱۳	سال ۲۰۰۱ درباره بازسازی مناطق زلزله زده گجرات هند	(*) تشکیل گروه هایی از زنان برای ایجاد درآمدزایی، (* یافتن امکاناتی برای کار کردن زنان روستایی با یکدیگر، و (* ایجاد زمینه های کسب پول و شغل خانگی برای زنان زلزله زده روستایی؛ (* به عهده گرفتن نقش تعیین کننده و تسهیل گر گروه های زنان را در اصلاح و تقویت برنامه های بعد از زلزله.
۷	داوود خانی، ۱۳۶۹	تجربه بازسازی مناطق روستایی قبل از انقلاب	(*) عدم موفقیت فراگیر پروژه های بازسازی سازمان های بین المللی در ایران بعد از وقوع زلزله؛ (* نادرست بودن شیوه های مورد استفاده برخی از این گروه ها به مانند شیوه دولتی استفاده از مقاطعه کاران شهری و نادیده گرفتن مشارکت روستاییان حادثه دیده؛ (* عدم انطباق فرایندهای بازسازی با شرایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی روستایی در پروژه هایی مانند روستاهای دوزج در بخش خرقان ساوه با متصدی گیری دولت هلند؛ (* کاهش بافت مسکونی احدثی در بافت موجود روستا؛ (* عدم بازشناسی ساختمانها و بافتهای احدث شده در هنگام زلزله مناطق روستایی.
۸	Huang & Long, ۲۰۱۵	سال ۲۰۱۵ چین Wenchuan	(*) توجه به شرایط اقلیمی و معماری هماهنگ با زیست بوم منطقه؛ (* ارائه استراتژی برای بهبود محیط حرارتی تابستان سکونتگاه موقت پس از فاجعه، (* توجه به طراحی پنجره، موقعیت اتاق در پلان مسکن روستایی و موقعیت خانه در بافت روستا؛ (* توجه در ساخت و برنامه ریزی طراحی سکونتگاه های موقت با تراکم ساختمانی بالا؛ (* توجه به طراحی پنجره، عایق کاری سه گوش کنار شیروانی و رابطه بین دیوار پیرامون و ساختمان در لبه سکونتگاه.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۷

۹	علی عسگری و دیگران	سال ۲۰۰۸ در بازسازی زلزله بم	(*) توجه بیشتر به ظرفیت‌سازی در مقیاس کوچک و مسائل مربوط به بهبود اجتماعی به جای برنامه‌های توسعه در مقیاس بزرگ در بخش کشاورزی و گردشگری؛ (*) ارتباط بالقوه بین اثبات دانش و تجربه و استفاده از فرصت‌های پس از فاجعه؛ (*) بالا بودن موفقیت در مواردی مانند کاهش خطرات و ثبت ارگ بیم در لیست خطر میراث جهانی، در زمینه همکاری و مشارکت گروه‌های مختلف درگیر در بازسازی.
۱۰	Arsalan and Alper Unlu, 2012	مناطق روستایی زلزله شهرستان Duzce در ترکیه	(*) بازسازی فیزیکی به وسیله بازسازی یا بهبود زیرساخت‌ها و روستاها فقط برای شهر و روستاهای آسیب دیده هم‌جوار در اسرع وقت؛ (*) ساخت خانه‌ها فقط برای صاحبان خانه آسیب‌دیده از زلزله؛ (*) مصاحبه‌هایی با مدیران مرتبط درباره فرایند بازسازی و مقوله مشارکت‌آفرینی روستاییان زلزله زده؛ (*) تحلیل پروژه‌های مسکن دائمی با توجه به سطح مشارکت اجتماعی؛ (*) پیاده‌سازی‌های مسکن پس از فاجعه در یک دیدگاه گسترده‌ای شامل متغیرهای اجتماعی، روانی و محیطی که در میزان مقبولیت مسکن جدید برای زلزله‌زدگان روستاها دارای اهمیت است؛ (*) تصمیم‌گیرندگان در ساخت مسکن پس از فاجعه باید تمام مراحل مسکن‌سازی را نه تنها از نقطه نظر فیزیکی بلکه از نظر مولفه‌های اجتماعی نیز در نظر بگیرند؛ (*) بازسازی روانی جامعه متأثر باید از نقطه نظر نوع دوستانه و رویکردهای فیزیکی؛ (*) تعیین انتظارات کاربر در فرایند طراحی؛ (*) توجه به مشارکت قربانیان در روند بازسازی و تولید محیط در بازسازی مناطق آسیب دیده؛ (*) تعریف نقش دولت محلی در بازسازی مسکن؛ (*) تعامل بازسازی‌های اجتماعی و فیزیکی در تصمیم‌گیری‌های کاربردی فضاها؛ (*) اجرای پروژه‌های مسکن در مقیاس کوچک در مناطق روستایی؛ (*) جابجایی افراد مصیبت‌زده به مکان‌های جدید و امن و ایجاد یک جامعه انعطاف پذیر در مناطق روستایی زلزله زده؛ (*) افراد مختلف با رده‌های مختلف اجتماعی و روابط همسایگی قدیمی باید در همان محله یا جایی نزدیک آن جمع شوند. این رویکرد سطح تجانس جامعه را تسریع می‌کند و مانع تقسیم‌بندی اجتماعی می‌شود. (*) حداقل سازی تطبیق با محل جدید برای قربانیان زلزله از طریق تغییر در سازماندهی فضایی؛ (*) تحرک اجتماعی و امکان‌سنجی توسعه تدریجی و حتی جابجایی احتمالی باید در نظر گرفته شده و پیش‌بینی‌هایی برای آینده باید صورت بگیرد. (*) روش‌های تخلیه باید از نقطه نظر اجتماعی نیز در نظر گرفته شوند. (*) سازمانها و ذینفعان مختلف (نه تنها صاحبان خانه و خانواده‌های کم درآمد بلکه مستأجران) باید نقش مستقیم در فرایند مسکن داشته باشند. (*) بلافاصله - نتوانند به افزایش کیفیت ساختمان در منطقه کمک کنند، همچنین می‌توانند باعث تغییرات سیاسی نیز شوند.
۱۱	Nakagawa and Rajib Shaw, 2004	Gujiara و Kobe زلزله	(*) ادراک خطر به عنوان یک مسئله مهم در پیش‌قدمی کاهش‌ی پیش از فاجعه؛ (*) سرمایه اجتماعی به عنوان یک عنصر مهم در فرایندهای بازیابی و بازسازی؛ (*) تشکیل جلسات مشورتی در مناطق زلزله‌زده روستایی و تسهیل تصمیم‌گیری جمعی؛ (*) التفات به فرایند تصمیم‌گیری به پیوند سرمایه اجتماعی (عوامل مربوط به انسجام جامعه)، ارتباط سرمایه اجتماعی (ارتباط با تصمیم‌گیری دولت)، و پل زدن سرمایه اجتماعی (از طریق شبکه‌های چندبخشی)؛ (*) توجه به نقش مهم رهبری و نظارت در استفاده از سرمایه اجتماعی برای ایجاد یک صدای مشترک در فرایند بازسازی؛ (*) اعتماد به رهبران جامعه، شبکه‌ها، هنجارها، و اقدامات جمعی در جامعه، به سرمایه اجتماعی بالای گروه مربوط بوده، و در نتیجه منجر به افزایش شفافیت و سریع‌تر تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. (*) سرمایه اجتماعی بالاتر، موجب سرعت بازیابی سریعتر و منجر به روند بازسازی جامع فضاها و مسکن‌های روستایی می‌شود. (*) با وجود تفاوت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، روند بازسازی و عناصر کلیدی آن - یعنی سرمایه اجتماعی بالا و رهبری قوی در جامعه - برای موفقیت در بازسازی مسکن.
۱۲	Davidson, Colin H, Cassidy Johnson, Gonzalo Lizarraide, Nese Dikmen, Alicia Silwinski; 2006	Hermantad (سالوادور) و Cankm (ترکیه)	(*) از یک سو، کاربران در پروژه‌ها تنها به عنوان نیروی کار درگیر هستند، در حالی که از سوی دیگر، آنها یک نقش فعال در تصمیم‌گیری و مدیریت پروژه بازی می‌کنند. (*) تاثیر روش‌های مختلف بر «کجا، چه زمانی» و «چگونگی» فرایند بازسازی با توجه به ترکیب کاربران به فرایندهای طراحی سازمانی و فنی؛ (*) مشارکت کاربران در پیش تصمیم‌گیری (در طراحی پروژه و برنامه ریزی مراحل، از جمله ظرفیت انتخاب معنی‌دار بین یک سری از گزینه‌های ارائه شده به آنها) منجر به نتایج مثبت از نظر روند ساخت و ساز و نتایج می‌شود. (*) مشارکت اجتماعی ایده‌آل: (الف) اشکال متعددی به خود می‌گیرد و (ب) در اکثر موارد، واقعا در بازسازی در زمین و عمل اتفاق نمی‌افتد. (*) این امر می‌تواند احمقانه باشد که یک مدل نظری واحد را برای مشارکت پیشنهاد داد و آن را به نتایج پروژه‌های بهتر دلالت داد.
۱۳	ÖNDER, Deniz ERGENSEL, Emine KÖSEĞİLU, Ömer BĞLEEN, Venhar DER (2010)	در سال ۲۰۱۰ پس از زلزله Duzce	(*) از نظر فضاها بیرونی خانه‌ها و ویژگی‌های کلی، بین ساکنان کسانی که در فرایند طراحی و ساخت‌وساز شرکت کرده بودند و آنهايي که شرکت نکرده بودند، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. (*) در ضمن در مورد نیازهای روانی و کیفیت فضاهای داخلی، میزان رضایت کاربرانی که در روند طراحی و ساخت‌وساز شرکت کرده بودند بالاتر از آنهايي بود که شرکت نکرده بودند. (*) نه تنها کاربران خوشحال بودند از اینکه در این فرایند طراحی و بازسازی درگیر شده‌اند، بلکه آنها از اقامتگاهشان نیز راضی بودند. (*) پس از یک رویداد بسیار منفی مانند زلزله، اثراتی در یک گروه کوچک از مردم مشاهده شده است؛ مثلاً مردمی که درآمد پایین داشتند و قبل از زلزله در خانه‌های غیرقانونی و نادرست ساخته شده از مواد نامرغوب زندگی می‌کردند، به زندگی در کپه‌های موقت پس از زلزله ادامه دادند.

۱۵	Pipran, P. and M. Zorn (2013)	پس از زلزله های Friuli (شمال شرقی ایتالیا) و دره Upper Soca (جنوب غربی اسلوونی) در	(*) نقش ساکنان مسئولیت پذیر علاوه بر زمینه های مختلف سیاسی و قانونگذاری- مدیریتی در فرایند بازسازی، (*) اکثریت ساکنان و سازندگان یک تاثیر مثبت در حفظ میراث فرهنگی داشته‌اند.
۱۶	پیت، ۱۹۸۲	منطقه زلزله زده بوین، زهرا، طیس، زنجان و خراسان	(*) پس از ساخت وسازهای دولت در مناطق زلزله‌زده، مردم برای برپا کردن ساختمان- های بعدی دوباره به روش‌های سنتی و محلی روی آورده‌اند.
۱۸	Barakat, 1993	بازسازی زلزله ۱۹۸۲ شماره در بین	(*) توجه به اصل لزوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای در مناطق زلزله‌خیز، (*) انتخاب مکان شهر در محل مناسب، (*) طراحی فرم انعطاف‌پذیر، (*) رعایت ضوابط ارتقای کیفی ابنیه به خصوص ساختمانهای مسکونی، (*) شبکه ارتباطی کارآمد، (*) در نظر گیری فضای باز، (*) توجه به کاربری‌های با اهمیت زیاد، (*) توجه به شبکه آبرسانی، (*) توجه به سیستم برق‌رسانی، (*) موارد قابل توجه در ارتباط با سیستم گازرسانی، (*) توجه به فاضلاب و ضوابط مربوط به آن، (*) ضوابط مربوط به آتش‌سوزی: (*) حل مسئله مالکیت برای روستاییان در بدو امر بازسازی، (*) استفاده از مشارکت مردم در تمام مراحل بازسازی، (*) بازسازی اقتصادی (احیای بنیان‌های اقتصادی نابود شده)، (*) حفظ هویت و تداوم تاریخی شهر، (*) تأمین عدالت در توزیع امکانات بین اهالی شهر، (*) انتخاب مکان شهر در محل مناسب، (*) تقدم بازسازی زیرساخت‌ها بر بازسازی مسکن.
۲۰	علیرضی، ۱۳۳۹	بازسازی زلزله ۱۳۳۹ بوین زهرا	(*) توجه به موضوع معیشت، اشتغال و درآمد خانوارها علاوه بر خانه سازی در برنامه های بازسازی، (*) بازسازی صرفاً خانه سازی نیست؛ بلکه شامل طیف وسیعی از مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، معیشتی و محیطی است که باید مورد توجه قرار گیرند. (*) عدم برخورد تبعیض آمیز و ناعادلانه مسئولان بازسازی و مدیریت ساخت متفاوت در روستاهای مختلف؛ (*) عدم نظارت کافی مدیریت بازسازی بر گروه‌های مختلف و غیر فنی و ناقص بودن طرح ها و نقشه های اجرایی توسط گروه‌های مردمی بدون استفاده از نیروهای متخصص؛ (*) دولت نباید در اموری که آسیب‌دیدگان خود قادر به انجام آن هستند مداخله کند و نیز در اموری که آنها به تنهایی نمی‌توانند آن را به انجام برسانند باید یاری‌شان دهد. (*) توجه به امکان توسعه واحدهای مسکونی چنانچه به دلیل محدودیت زیربنای احداثی با نیازهای خانوار، پس از مدتی ساکنان واحد مسکونی را توسعه داده‌اند. (*) توجه به امکان توسعه واحدهای مسکونی چنانچه عدم پیش‌بینی فضا لازم برای توسعه واحدهای مسکونی در بعضی از روستاها موجب شد معماری واحدهای مسکونی با افزایش نامناسب واحدها بسیار پیچیده و نامناسب گردد و فضاها عملکرد و کارآمدی لازم را نداشته باشند. (*) عدالت در میزان سرمایه‌گذاری دولت برای زیرساختها.
۲۱	Fallah, 1996	بخش روستایی استان گیلان پس از زلزله ۱۹۹۰	(*) برخی از مشکلات جابجایی مربوط به فاصله از زمین‌های کشاورزی، ابعاد قطعات زمین جهت ساخت مسکن و توسعه آبی، درگیری‌های اجتماعی بین جوامع مختلف، بیکاری و مشکل رفت و آمد میان روستاهای قدیم و جدید به دلیل فقدان فضاهای کافی دام و انبار در روستاهای جدید می‌باشد. (*) امکان‌گزینی با مشورت نمایندگان روستا و خانوارها، ارائه قطعه زمین‌های بزرگ نزدیک به روستای قدیم و امکان انتخاب همسایه ها توسط خانوارها از عوامل مؤثر بر میزان رضایتمندی افراد از جابجایی سکونتگاهی است؛ (*) میزان بهره‌گیری از امکانات، ایجاد معابر عریض جهت جابجایی محصولات کشاورزی و همچنین شباهت طرح‌های بافت به روستای قدیم نیز بر میزان رضایتمندی افراد افزوده است.
۲۲	بزدانی، ۱۳۷۷	مسکن دائم بعد از زلزله اردیبهشت ۱۳۷۵/۱۳۷۶	(*) افزایش میزان آگاهی مردم از نحوه تأمین اعتبار مسکن، (*) رضایت افراد از مسکن جدید و اندازه حیاط، (*) راحتی افراد در مسکن جدید در مقایسه با مسکن قدیم، (*) تناسب مسکن جدید با شغل افراد، (*) تغییر شغل افراد در اثر جابجایی روستاها، (*) میزان مشارکت افراد در انتخاب معماری واحدهای مسکونی و عملیات اجرایی و (*) اهمیت میزان برخورداری از تأسیسات زیربنایی نسبت به شرایط قبل از سانحه. (*) اهمیت مشارکت آسیب‌دیدگان در جابجایی سکونتگاه، و انتخاب مکان جدید روستاها و ساخت مسکن روستایی.

شماره ۲.

بیات، حسین (۱۳۸۲) ارزیابی آسیب پذیری واحدهای ساختمانی و رهیافت‌هایی برای ایجاد دگرگونی، همایش یافته‌های زلزله بم، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.

پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۷۹) برنامه‌ریزی مسکن، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت

پورطاهری، مهدی (۱۳۹۰) اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی، فضای جغرافیایی، شماره ۳۵. تقوایی، مسعود و کریمی (۱۳۹۰) نقش آموزش و مشارکت شهروندی در کنترل حریق‌های شهری، فضای جغرافیایی، شماره ۳۶.

تیموری، محمود (۱۳۸۳) مدیریت بحران در بافتهای تاریخی، ضمیمه ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۱.

حسینی، مازیار (۱۳۸۷) مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران.

دراک، ای؛ هواتمر، جی (۱۳۸۳) مدیریت بحران (ترجمه)، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری. رکن الدین افتخاری و قدیر فیروزنیا (۱۳۸۲) جایگاه روستا در توسعه ملی، تهران، نشر وزارت ارشاد.

زرگر، حاجی ابراهیم (۱۳۸۴) درآمدی بر معماری روستایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان.

سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۵) مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۷.

سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۸) تجارب خارجی تامین مسکن روستایی، مجله آبادی، شماره ۵۹، تابستان. شکرگزار، اصغر (۱۳۸۵). توسعه مسکن شهری در ایران، رشت، نشر حق شناس.

شکیب، همزه و علی مقدسی موسوی (۱۳۸۵) مدیریت بحران در پایتخت، مجموعه مقالات دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، دانشگاه تهران.

عبداللهی، مجید (۱۳۸۳) مدیریت بحران در نواحی

شهری، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.

فلاحی، علیرضا (۱۳۸۳) نقش خودامدادی محله‌ای در مدیریت سوانح شهری (با شعار هر خانوار یک امدادگر)، همایش علمی کاربردی توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، شهرداری تهران، تهران.

فلاحی علیرضا (۱۳۹۰) رویکردهای بازسازی مسکن پس از سانحه؛ از تولد تا بلوغ؛ صفه تابستان ۱۳۹۰، ۲۱(۵۳)، ص ۱۲۵.

کلیتون، اندرو و همکاران (۱۳۸۳) توانمندسازی مردم: راهنمایی برای مشارکت، ترجمه پیروز ایزدی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.

مهاجر اشجعی، ارسلان و دیگران (۱۳۶۵) گزارش بازدید از آثار ویرانی زمین لرزه‌های سپتامبر ۱۹۸۵ مکزیک: تجربه‌ای جهت مقابله با این گونه حوادث احتمالی در ایران، استانداری تهران.

یزدانی، علی (۱۳۸۴) مدیریت بحران (مکان یابی سایت اسکان موقت پس از زلزله در شهر تهران- مطالعه موردی: منطقه ۵ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

Pipan, P. and M. Zorn (2013) Public participation in recovery after earthquakes in Friuli (NE Italy) and the Upper Soca Valley (NW Slovenia) in 1976, 1998, and 2004; Nat. Hazards Earth Syst. Sci. Discuss., 1, 2231–2253, 2013

ÖNDER; Deniz ERĞENSEL, Emine KÖSEOĞLU, Ömer BĞLEN, Venhar DER (2010) The effect of user participation in satisfaction: Beyciler after-earthquake houses in Düzce; ITU vol: 7 no: 1

Davidson, Colin H, Cassidy Johnson, Gonzalo Lizarralde, Nese Dikmen, Alicia Sliwinski (2006) Truths and myths about community participation in post-disaster housing projects; Habitat International, doi:10.1016/j.habitatint.2006.08.003

Nakagawa and Rajib Shaw, (2004) Social Capital and Disaster Recovery: A Comparative Case Study of KOBE and GUJARAT earthquake, 13th World

- of Women (DAW).
- Hagman, j, e., Chuma, & K., Murwira 1996, Improving the output of Agricultural Extension and Research through Participatory Innovation Development & Extension, European Journal of Agricultural Education and Extension, 2(4),15-23.
- Wood, J. Peter & Anderson, B. Mary, 1989, Rising from the Ashes: Development Strategies in Times of Disaster, Graduate school of education-harvard university-UNESCO.
- Yu, Li-fang, ken, Mei-Lien and Hiro, Osman, A Comparison of Reconstruction and Social Policies between Earthquake Disaster in Taiwan and Japan, Tokyo: ISICS, University of Tokyo.
- UNHCR, (2004), Resettlement Handbook, United Nations, (1982), Shelter after Disaster, Guidelines for Assistance.
- Anderson, M. B. & P. J. Woodrow, 1989/1998, Rising from the ashes: development strategies in times of disaster, Boulder: Westview Press/London: Intermediate Technology Publications.
- UNDP, 1997, Capacity Development. Technical Advisory Paper 2, United Nations Development Program, New York.
- UNDP, 2004, the links between disaster and development are elaborated in detail in the UNDP's 2004 report Reducing Disaster Risk: A challenge for development, New York.
- Birkeland, N. M., Vermeulen, E., (2004), Camp Management Tool Kit, Camp Management Project, Norwegian Refugee Council,
- Anderson, M. B. & P. J. Woodrow, 1989/1998, Rising from the ashes: development strategies in times of disaster, Boulder: Westview Press/London: Intermediate Technology Publications.
- Conference on Earthquake Engineering Vancouver, B.C., Canada August 1-6, 2004 Paper No. 771
- Arsalan, Hakan and Alper Unlu (2012) The Evaluation of Community Participation in housing Reconstruction Projects After DUZCE Earthquake, and Arslan, H. (2004) "Study of Temporary Housing Planning, Organisation, Production Phases and Research of Re-Use Potentials After Usage; Example of Duzce Province", Master Thesis, Gebze.
- Asgari et all (2008) utilizing post disaster development opportunities after Bam Earthquake; international journal humanities, vol 15 (2).
- Huang, Luhong & Long, Enshen (2015) Architecture and Planning Design Strategy of Post-disaster Temporary Settlement with High Building Density Analysis Based on the Questionnaire in Dujiangyan after Wenchuan Earthquake; Procedia Engineering 121 (2015) 101 – 106.
- Marcillia, Syam Rachma & Ohno, Ryuzo (2012) Learning from Residents' Adjustments in Self-built and Donated Post Disaster Housing after Java Earthquake 2006, Procedia - Social and Behavioral Sciences 36 (2012) 61 – 69
- Eklund, L. 1999. From Citizen Participation to Community Empowerment, University of Tampere.
- Coburn, A.W, Leslie, J.D.L & Tban, A., 1984, Earthquake Relief in Less Industrialized Areas, paper held at the international symposium on march 28-30 1984 zarich.
- Garip, F, 2007, From Migrant Social Capital to Community Development: A Relational Account of Migration, Remittances and Inequality, Ph.D, Princeton University , pages 199.
- Gopalan, P, 2013, Responding to Earthquake: People's Participation in Reconstruction and Rehabilitation, United Nations, Division for the Advancement

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۹۲



ژورنال علمی و مطالعات فریبندی
پرتال جامع علوم انسانی